جام جم

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

سه‌شنبه ۱ تیر ۱۴۰۰ | ۱۱ ذی‌القعده ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۶۸ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Tuesday - June 22, 2021

حدیث روز: کافی

امام رضا (ع): هر کس اندوه مؤمنی را بزداید، خداوند در روز قیامت، غم از دلش می زداید.

واحه: حافظ

مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد
ولی چه سود که سررشته در رضای تو بست

امروز در تاریخ:

- ولادت امام رضا (ع)
- تصویب قانون ثبت علائم و اختراعات در مجلس. (۱۳۱۰ ش)
- زادروز عباس کیارستمی، کارگردان و نویسنده. (۱۳۱۹ ش)
- دستور امام خمینی (ره) برای تاسیس سازمان تبلیغات اسلامی. (۱۳۶۰ ش)

حکمت ۶۳: نهج‌البلاغه

شفاعت کننده برای کسی که طالب چیزی است، چونان بال است برای پرنده.

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۶ | غروب آفتاب: ۲۰/۲۴
اذان مغرب: ۲۰/۴۵ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۳
اذان صبح (فردا): ۴/۰۲ | طلوع خورشید(فردا): ۵/۴۹

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	اصفهان	ایلام	بوشهر	بیرجند	تبریز	ساری	مشهد
۳۵ / ۲۶	۳۷ / ۱۴	۳۶ / ۲۰	۳۵ / ۲۸	۳۴ / ۱۷	۳۵ / ۲۲	۳۵ / ۲۱	۳۴ / ۲۲

تلنگر

دست خالی برنمی‌گردی

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

پیرمرد، تاریک‌ترین جای بست شیخ طوسی را برای نشستن انتخاب می‌کرد. می‌نشست کف زمین روی سنگ‌های خاکی و سرد. پیرمرد، پیر نبود. سر و رویش رو به سفیدی می‌زد اما شناسنامه‌اش می‌گفت هنوز به میانسالی هم نرسیده است. خودش اما می‌گفت روضه، آدم را پیر می‌کند. نه این که دوست داشته باشد به او بگویم پیرمرد، می‌گویم پیرمرد چون تاریک‌ترین جای بست شیخ طوسی را برای نشستن انتخاب می‌کرد. چون دوست نداشت مردم ببینند و بشناسندش. همان‌طور که همه مردمی که آثارش را دیده و شنیده و خوانده بودند هیچ تصوری از او جز یک نام نداشتند. همان نامی که اینجا همان هم نیامده و شده پیرمرد. شاید هم وجه تسمیه پیرمرد این باشد که مثل پیرمردهای وسط داستان‌های افسانه‌ای یکدفعه می‌آید و قهرمان داستان را از باتلاقی که در آن گیر کرده، نجات می‌دهد و در غبار افق محو می‌شود. شاید می‌گویم پیرمرد چون دقیقا وقتی لازم است گوشی تلفنش را جواب می‌دهد و از منجلاب بیرونت می‌کشد و وقتی همین‌طور می‌خواهی حالش را بپرسی، ماه تا سال پیدایش نمی‌کنی. پیرمرد آن شب هم گوشه حرم امام رضا (علیه السلام) در تاریک‌ترین جای بست شیخ طوسی روی سنگ‌های سفید و سیاه نشسته بود و برای ما حرف می‌زد. می‌گفت از امام رضا هر چه بخواهی نه نمی‌شنوی. یعنی خدا خواسته که نه نشنوی. می‌دانی حکمت چیست؟ حتما ماجرای دعبل خزاعی و صله‌ای که از امام رضا (علیه السلام) گرفت را شنیده‌ای. سر تکان دادم که شنیده‌ام و ته دلم گفتم آن هم چه صله‌ای، عبای روی دوش خود امام! پیرمرد گفت می‌دانی چرا امام به دعبل عبا داد؟ آن زمان حکومت عباسی برای این که محبوبیت امام را بین مردم کاهش دهد، به نامش سکه ضرب کرده بود و مردم این سکه‌ها را در شهرها می‌دیدند و پیش خودشان می‌گفتند چه وضع خوبی دارد امام! اما امام رضا از همان سکه‌ای که به نام خودش بود در حکومت عباسی محروم بود. وقتی هم خواست به دعبل صله بدهد، سکه چندانی در دست نداشت و عبا داد. پیرمرد می‌گفت می‌دانی چیست، خدا دیگر نمی‌گذارد امام رضا کسی را دست خالی روانه کند.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با تقی دژاکام که از اول شیوع کرونا تاکنون در حرم امام رضا(ع) بوده است

مرا طلای گنبد تو بی‌قرار می‌کند

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

درباره امام رضا (ع) شعر زیاد گفته شده، مداحان زیادی برای ایشان خوانده‌اند و تلاش کرده‌اند که دل دوستداران حضرتش را با این کلمات و اصوات جلا دهند اما راستش را بخواهید هنوز هم «آمده ام، آمدم ای شاه پناهم بده / خط امانی ز گناهم بده / ای حرمت ملجأ درماندگان / دور مران از در و راهم بده...» با صدای استاد محمدعلی کریمخانی در صدر همه آنها قرار دارد. کلماتی و صدایی که در هر زمانه‌ای می‌تواند وصلت کند به آقا امام هشتم (ع). وقتی که دلتنگی امانت را بریده و امید به یاس تبدیل شده یا زمانی که انگار کارت در گل گیر کرده و به هر سو که می‌زنی راهی باز نمی‌شود که نمی‌شود اما به یکباره انگار صدای استاد کریمخانی در گوشت صدا می‌کند و کم‌کم به سمت دلت راه باز می‌کند و یادآوری می‌کند که الان وقتش است به ملجا درماندگان توسل کنی که در حرمش به رویت همیشه باز است، هر چند از نظر جغرافیایی خیلی دور باشی. یاد امام رضا (ع) تو را پناهی می‌دهد که قفل‌های ناامیدی را باز می‌کند و سبب‌سازی می‌شود برای ادامه زندگی.

از زمستان ۹۸ که کرونا آمد تا به همین امروز حرم امام رضا (ع) که پناهگاه‌مان بود، کم و بیش به رویمان بسته است، دیگر مثل سابق نمی‌توانیم حتی اگر شده برای یک روز راهی شویم سمت مشهد و دل را سبک کنیم و برگردیم سر زندگی با این اطمینان که خودش همه چیز را روبه راه می‌کند. شاید برای همین است که صدای استاد کریمخانی را در دوره کرونایی بیشتر در گوشمان می‌شنویم و آن را زمزمه می‌کنیم، «آمده‌ام شاه پناهم بده...» و با قلب و دلمان پناه می‌بریم به امام هشتم (ع). کرونا شرایط عجیبی را به ما تحمیل و شرایط زندگی را سخت کرد و عجیب‌تر این‌که دیگر در میانه این همه گرفتاری و سختی نمی‌توانستیم پناه ببریم به حرم حضرتش و شاید یکی از چالش‌هایی که اهالی شهر مشهد و دیگرانی که در سختی‌ها راهی مشهد می‌شدند و حرم، همین بود که ورود به حرم ممنوع شد. اتفاقی که در طول تاریخ شبیه آن رخ نداده است. امروز میلاد امام رضا(ع) است و دلمان پر می‌زند که در حرمش باشیم، برخی این امتیاز را دارند که امروز در جوار امام رضا(ع) هستند و ما که دوریم صوت استاد کریمخانی را زمزمه می‌کنیم، «...ملجاء درماندگان...» به امید گشایشی در میان این همه گرفتاری که همه ما به نوعی درگیر کرده‌است. با تقی دژاکام که چند سالی است نشریه هفتگی آستان قدس را منتشر می‌کند، هم‌صحبت شدم تا از دوره کرونا و حال و هوای حرم برایمان بگوید.

زیارت خاص

دژاکام درباره چراغانی و گل‌آرایی حرم امام‌رضا(ع) در دوره کرونا به‌خصوص ماه‌های اول که حرم کلا تعطیل شد، می‌گوید: در همه ایام جشن و سوگواری سنت‌های حرم رعایت و برگزار شد. چراغانی، گل‌آرایی یا سیاهپوش کردن حرم نذر و است و وقف. باید در هر شرایطی اجرا شود.

مثلا نوروز ۹۹ که حرم به دلیل کرونا تعطیل شد، گل‌آرایی و چراغانی انجام شد هرچند برخی انتقاد کردند وقتی حرم تعطیل است چرا باید برای این کارها هزینه شود. اما هزینه گل‌آرایی و چراغانی را آستان قدس پرداخت نمی‌کند و مخارج آن از سوی کسانی که نذر دارند یا وقف کرده‌اند تامین می‌شود. امسال برای میلاد امام‌رضا(ع) حرم طبق سنت‌های گذشته آذین بسته می‌شود و خوشبختانه الان دیگر با رعایت پروتکل‌هایی که ستاد کرونا مقرر کرده، زائران و مهمانان امام‌هشتم(ع) می‌توانند وارد صحن‌ها و حرم شوند و خوشبختانه شرایطی که سال ۹۹ داشتیم، تسهیل‌تر شده است. برای ورود به حرم در دوره کرونا حتما زائران باید ماسک داشته باشند و فاصله‌گذاری را رعایت کنند.

چهار پنج نفر بیشتر نباید روی فرش‌ها بنشینند و برای زیارت ضریح هم شرایط ویژه‌ای مقرر شده است. چهارراه (دو راه برای بانوان و دو راه برای آقایان) به سمت ضریح درنظر گرفته شده و زائران به نوبت در این مسیر قرار می‌گیرند و به سمت ضریح می‌روند. البته در فاصله دومتری ضریح باید توقف کنند و اجازه نزدیک شدن به ضریح را ندارند. به نظرم همین هم غنیمت است، چون اوایل ورود کرونا به ایران که نمی‌دانستیم باید چگونه با آن رفتار کنیم که مبتلا نشویم، همین نزدیک شدن به ضریح هم از ما دریغ شده بود.

کمک به نیازمندان در دوره کرونا

دژاکام درباره سال ۹۸ و آغاز شیوع کرونا می‌گوید: شرایط عجیبی بود. نمی‌توانستیم باور کنیم حرم کلا تعطیل می‌شود. آن زمان ستاد کرونا هنوز تشکیل نشده‌بود و وزارت بهداشت به همه چیز نظارت داشت و دستورالعمل‌ها را صادر می‌کرد. بعد از مدتی که کرونا اوج گرفت و شرایط سخت شد، دستور دادند درهای حرم کلا بسته شود و حاج‌آقا مروی، رئیس آستان قدس هم قبول کردند و درهای حرم بسته شد. تعطیلی حرم هتل‌ها و بازارهای مشهد را هم تعطیل کرد. شرایط اقتصادی سخت شد و زندگی برای مردم دشوار. تولیت آستان قدس تصمیم گرفت برای همدلی و کمک به مردم، اجاره چند ماه را از مغازه‌داران و اجاره‌نشین‌هایی که در املاک موقوفه امام‌رضا(ع) زندگی و کاسبی می‌کردند، دریافت نکند تا به این وسیله به آنها کمک کند.

آشپزخانه سرای حضرت در همان زمانی که حرم تعطیل بود هم تعطیل نشد. به میزان سابق و طبق برنامه غذا پخته، بسته‌بندی و برده می‌شد برای نیازمندان، کارگران و کسانی که در حاشیه شهر مشهد زندگی می‌کرده‌اند. از وقتی حرم باز شد هم غذای به صورت بسته‌بندی بین زائران تقسیم می‌شود و بخشی از آن باز هم برای نیازمندان برده می‌شود.

نوروز سال ۹۹، عجیب‌ترین نوروز در جوار امام‌رضا(ع) بود. درهای حرم بسته بود، ورود زائران به مشهد ممنوع بود و مردم مشهد، بیشترین حزن را در همین سال تجربه کردند. یادم هست می‌رفتیم نزدیکی حرم و به حضرتش سلام می‌دادیم. برخی از مردم می‌آمدند و در پیاده‌روی نزدیک حرم سجاده پهن می‌کردند و زیارت‌نامه می‌خواندند. برخی روی پشت‌بام‌ها می‌رفتند و طوری که گنبد و گلدسته‌های حرم را ببینند به حضرت سلام می‌دادند و راز و نیاز می‌کردند. دوره عجیبی بود و خاطراتش برای همیشه در ذهن ما خواهد ماند.

دوستداران جهانی امام هشتم (ع)

دژاکام درباره خادمان امام هشتم (ع) می‌گوید: آنقدر درخواست خادمی امام‌رضا(ع) زیاد است که نمی‌توان به همه آنها جواب مثبت داد و علاقه‌مندان باید مدت زیادی منتظر بمانند. از سراسر دنیا افرادی هستند که تمایل دارند خادم افتخاری امام‌رضا(ع) باشند. در سال‌هایی که در حرم خدمت می‌کنم، صحنه‌هایی دیده‌ام که کم‌نظیر است.

برادران و خواهران اهل تسنن زیادی را دیده‌ام که برای زیارت به حرم آمده‌اند. دیده‌ام گوشه و کنار حرم با دست بسته ایستاده‌اند و نماز می‌خوانند. عراقی‌های زیادی به حرم می‌آیند و با چه اشتیاقی زیارت می‌کنند. همان‌طور که ما در ایام محرم و اربعین به عراق و کربلا می‌رویم، آنها هم در طول سال به‌خصوص در اعیاد به زیارت امام‌رضا(ع) می‌آیند و به‌وضوح می‌توان دید ائمه اطهار(ع) حلقه وصل دوستی بین مسلمانان هستند.

راستش را بخواهید در این سه سالی که کارمند حرم شده‌ام دوستان تهرانی و دیگر دوستانم را بیشتر می‌بینم. هر جا سر می‌چرخانم دوستانم را می‌بینم که برای زیارت آمده‌اند و تازه متوجه شده‌ام حرم امام‌هشتم ملجا و پناهگاه همه ایرانی‌ها و مسلمانان است و آنها زیاد به این حرم امن پناه می‌آورند.

مقطع حساس کنونی

رقابت با مسؤول عالی‌رتبه

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در اواخر قرن هجدهم در یکی از شهرهای فرانسه، یکی از مسؤولان عالی‌رتبه به دختر یکی از مسؤولان عالی‌رتبه ترعلاقه‌مند شد و تصمیم گرفت با او ازدواج کند. پس از پرس‌وجو از اطرافیان متوجه شد یکی از افسران نظامی نیز به آن دختر علاقه‌مند شده و تصمیم گرفته است با او ازدواج کند. از آنجا که در آن زمان در کشور فرانسه و سایر کشورها گفت‌وگو و مذاکره مرسوم نبود، اطرافیان از مسؤول عالی‌رتبه و افسر نظامی خواستند با یکدیگر دوئل کنند و هرکس در دوئل برنده شد با دختر یادشده ازدواج نماید. در روز دوئل افسر نظامی دو عدد چاقو و مسؤول عالی‌رتبه دو عدد تپانچه با خود همراه آوردند. مسؤول عالی‌رتبه گفت: از آنجا که من از تو بزرگ‌تر هستم، انتخاب سلاح با من خواهد بود. افسر نظامی قبول کرد. مسؤول عالی‌رتبه گفت: من تپانچه را انتخاب می‌کنم. هرکدام را که می‌خواهی انتخاب کن. افسر نظامی یکی از تپانچه‌ها را انتخاب کرد. مسؤول عالی‌رتبه گفت: وقتی در جای خود مستقر شدیم اول تو شلیک کن، بعد من. افسر نظامی پیش از آن‌که مسؤول عالی‌رتبه در جای خود مستقر شود به‌طور نامردی به سمت وی شلیک کرد. مسؤول عالی‌رتبه نیز فریاد بلندی کشید و دست بر سینه خود گذاشت و بر زمین افتاد. حضار و شاهدان به این عمل افسر اعتراض کردند. افسر نیز که ترسیده بود بلافاصله فرار کرد و از شهر خارج و متواری شد. هفت سال بعد افسر نظامی به شهر خود بازگشت و مخفیانه به خانه یکی از دوستانش رفت. دوستش علت غیبت هفت ساله افسر را از وی جویا شد. افسر گفت: مگر نمی‌دانی من هفت سال پیش یک مسؤول عالی‌رتبه را در دوئل به طرز نامردی کشتم؟ دوست افسر گفت: فشنگ‌های تپانچه مسؤول عالی‌رتبه مشقی بود. آن مسؤول عالی‌رتبه اکنون سر و مر و گنده است و در همان وقت با دختر مسؤول عالی‌رتبه‌تر ازدواج کرده است و اکنون سه فرزند شش، چهار و دوساله دارد. در این هنگام افسر نظامی که فهمیده بود از مسؤول عالی‌رتبه فریب خورده است و فهمیده بود اساسا رقابت با مسؤولان عالی‌رتبه کاری بی‌فایده است صیحه‌ای بزد و مدهوش بیفتاد و تا اطلاع ثانوی خاموش شد.

برسد

نامعادله

علی رئوف
روزنامه‌نگار

مناسبات سیاسی و اجتماعی یا معادلات سیاسی و اجتماعی. چه فرقی می‌کند؟ مهم این است که همه اینها در زبان عربی از باب مفاعله هستند و معنای این باب فعلی است که دوطرفه انجام می‌شود. برای مثال وقتی از مصدر معامله استفاده می‌کنیم، یعنی عملی که دوسو دارد. دوطرف ماجرا در قبال یکدیگر عملی را انجام می‌دهند. یا وقتی که از مصدر معادله استفاده می‌کنیم منظورمان یک ماجرای دوسویه است که دو طرف ماجرا عملی را در قبال هم انجام می‌دهند که عدل را وسط ماجرا نگه می‌دارد.

رابطه مردم و دولت اگر بخواهد در دل یک فعل قرار بگیرد حتما فعلی است در باب مفاعله. رابطه دولت و ملت یک رابطه دوسویه است که هرکدام از طرفین وظایفی را در قبال هم دارند. نمی‌خواهم تعلیمات اجتماعی دوران دبستان را برایتان مرور کنم و بگویم وظایف ملت و دولت در قبال همدیگر را نام ببرید (۲ نمره)! همه ما می‌دانیم وقتی از این معادله و معامله حرف می‌زنیم دقیقا داریم از کدام وظایف متقابل صحبت می‌کنیم. آن‌قدر واضح است که همین حالا می‌توانید لحظه‌ای در خواندن این یادداشت مکث و چند نمونه از این وظایف متقابل را برای خودتان مرور کنید. کردید؟! حالا یک بار دیگر آن وظایف را مرور کنید و به این فکر کنید کدام‌یک از این وظایف متقابل در قبال عشایر هم صدق می‌کند؟

عشایر همیشه در طول تاریخ این رابطه دوطرفه در باب مفاعله را برهم زده‌اند. همیشه هزینه داده‌اند و چیزی را هزینه خود نکرده‌اند. عشایر ایل‌ها و طوایفی کوچ‌رو هستند که در طول تاریخ خودکفا بار آمده‌اند. سبک زندگی غیورانه‌شان در طول تاریخ به آنها یاد داده است که توقعی از کسی نداشته باشند. خودشان دام‌شان را بچرانند و خودشان شیرش را بدوشند و خودشان لبنیات‌شان را فرآوری کنند. بعد هم خودشان با دست خود آرد را الک کنند و خمیر را نان. به قولی یاد گرفته‌اند که همیشه دست‌شان را روی زانوی خودشان بگذارند و بلند شوند.

بخش مهمی از محصولات دامی کشور نیز از طریق همین عشایر تأمین می‌شود و این یعنی نه‌تنها از دیگر منابع کشور استفاده نمی‌کنند، بلکه بقیه هموطنان هم از تولیدات و محصولات‌شان بهره می‌برند.

عشایر شاید به دلیل کوچ‌رو بودن، به شهر و دیاری خاصی دلبسته نباشند و وطن‌شان را در دل کوه و دشت معنی کنند اما جانفشانی‌هایشان برای ایران از خاطره تاریخ نمی‌رود. همیشه در طول تاریخ اگر جنگی درگرفته یا قشونی هوای تجاوز به خاک ایران به سرش افتاده، اسلحه عشایر آماده به شلیک بوده است. عکاس خبرگزاری تسنیم در روز انتخابات سراغ ایرانی‌هایی رفته که کمتر سراغ‌شان را می‌گیریم. عشایری که در همان دشت و کوه‌های صعب‌العبور محل زندگی‌شان رأی داده‌اند. عشایری که با وجود این‌که مطالبه‌ای از دولت و رئیس جمهور ندارند و همیشه هزینه ایرانی بودن را هم می‌دهند، جلوی همان چادرهایی که سقف بالای سرشان است، رأی داده‌اند.

عکس‌ها: تسنیم